

اهمیت راهبردی بندر چابهار در تعاملات منطقه ای ایران و هند

به گزارش روابط عمومی و امور بین الملل منطقه آزاد چابهار به نقل از ایرنا، پس از سفر محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه و محمد آخوندی وزیر راه و شهرسازی ایران به پاکستان که برای توسعه همکاری با پاکستان و چین در بندر چابهار اهمیت راهبردی داشت، هند باید در تعاملات آینده خود درباره این پروژه (توسعه بندر چابهار) بازبینی کند.

هند تاکنون با تقویت روابط دوجانبه، همکاری با ایران در بندر چابهار را مدیریت کرده است. در عین حال، در تلاش برای دستیابی به یک فهم مشترک با ایران و افغانستان جهت دسترسی به یک مسیر جایگزین به آسیای مرکزی از طریق چابهار نیز بوده است. اما این رویکرد هند با توجه به گسترش روز افزون روابط چین و ایران و همچنین این واقعیت که سازمان همکاری شانگهای هر روز اعتبار بیشتری در اوراسیا می یابد احتیاج به بازبینی دارد.

ظریف با دعوت از چین و پاکستان برای همکاری در چابهار اعلام کرد این پروژه برای محاصره کردن و یا محدود کردن هیچ کشوری نیست.

هند برای توسعه بندر چابهار ایران متعهد به سرمایه گذاری 500 میلیون دلاری شده است. فاز اول این بندر در ماه دسامبر سال گذشته با حضور حسن روحانی رئیس جمهور ایران و نمایندگان از هند و سایر کشورهای منطقه افتتاح شد. از طرف دیگر ایران و افغانستان در حال توافق برای ایجاد یک کریدور حمل و نقل بین المللی هستند و اولین محموله گندم هند از طریق بندر چابهار به افغانستان ارسال شد.

بندر چابهار یک موفقیت در روابط هند و ایران است و پس از عملیاتی شدن آن، تحولات زیادی پیرامون این بندر اتفاق افتاده و بر اساس خبرهای منتشر شده ترافیک باری از بندر کراچی به چابهار منتقل شده است.

بندر چابهار هزینه های حمل و نقل و زمان برای صادرات کالاهای هند را تا یک سوم کاهش می دهد. این بندر همچنین تجارت میان هند، افغانستان و ایران را با توجه به مخالفت های پاکستان برای استفاده از خاک این کشور، افزایش خواهد داد. ایران معتقد است بندر چابهار یک رقیب برای بندر گوادر پاکستان نیست و دو بندر چابهار و گوادر را 'خواهران' یکدیگر می داند و قصد دارد به گوادر برق و سایر کالاها را صادر کند.

چابهار یک بندر راهبردی است که دیپلماسی تجارت دریایی هند با سواحل غربی خود و همچنین ایران و افغانستان را میسر می سازد. نشست سه جانبه هند، ایران و افغانستان در سال گذشته توسعه یکپارچه زیرساخت های ارتباطی از جمله شبکه های جاده ای و راه آهن و توسعه بندر را تقویت کرد و دسترسی و ادغام بازارهای منطقه ای را تسهیل بخشید.

با وجود اینکه هند بندر چابهار را به عنوان یک رقیب با بندر گوادر در خصوص امنیت انرژی و دریایی محسوب می کند اما رویکرد آن در قبال چابهار بر اساس چارچوب همکاری و هماهنگی منطقه ای است. نقطه نظر هند در خصوص امنیت و رشد برای تمام این منطقه این رویکرد را تایید می کند. با توجه به این رویکرد، هند باید یک فهم جامع منطقه ای را به کار بگیرد که نه تنها به توسعه بندر چابهار کمک کند بلکه آن را به یک مرکز تجاری در منطقه تبدیل کند.

علاوه بر این هند باید بر راههای گسترش همکاری چین و ایران و همچنین تحول در سازمان همکاری شانگهای که در فعالیت های آینده خود بر پروژه های ارتباطی تاکید خواهد کرد مطالعه کاملی انجام دهد.

روابط امروز ایران و چین از همیشه گسترده تر شده است. چین یک رویکرد چند جانبه را در مقابل ایران به کار گرفته است. این کشور یک رابطه باثبات دوجانبه و همچنین یک رابطه مستحکم منطقه ای از طریق سازمان همکاری شانگهای با ایران ایجاد کرده است. چین همچنین در بدست آمدن توافق هسته ای ایران یا برجام با کشورهای غربی نقش مهمی ایفا کرده است.

ایران همچنان بزرگ ترین صادر کننده نفت به چین است. تهران در سال 2005 به همراه هند و پاکستان به عنوان ناظر در سازمان همکاری شانگهای قرار گرفت اما چین تلاش های زیادی برای عضویت دائم ایران انجام داد.

رویکرد دهلی نو در چابهار مبتنی بر مفهوم آسیای مرکزی و جنوب آسیا است که هسته اصلی سیاست ارتباط با جنوب آسیا و هند را

تشکیل می دهد. پروژه خط لوله گاز ترکمنستان- افغانستان - پاکستان- هند(تاپی) که دهلی نو آن را ترغیب می کند بخشی از این سیاست است.

رویکرد هند در فعال کردن دوباره کریدور بین المللی ارتباطی شمال - جنوب نمونه دیگر طرح هند برای ارتباط با منطقه است. ارتباطات، اکتشاف انرژی، به اشتراک گذاشتن نگرانی های امنیتی در مورد تروریسم و ایجاد حضور سیاسی، برخی از عواملی هستند که سیاست آسیای میانه هند را شکل می دهند. چین نیز سازمان همکاری شانگهای را یک مجموعه مهم برای ارتباط با منطقه آسیای مرکزی و جنوب آسیا می داند.

سازمان همکاری شانگهای به دنبال تبدیل شدن به یکی از مهمترین مجموعه ها در منطقه اوراسیا که می تواند فهم چین و روسیه را به یکدیگر نزدیک کند، می باشد. شی جین پینگ رئیس جمهور چین و ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه در سال 2015 توافق کردند که پروژه یک جاده یک کمربند چین را با اتحادیه اقتصادی اوراسیای روسیه مرتبط کنند. این ارتباط از نظر استفاده از ارز محلی در تجارت دوجانبه، همکاری های مالی از طریق صندوق جاده ابریشم و تحت سرمایه گذاری بانک سرمایه گذاری آسیا قابل توجه است. برای هند چالش اصلی ایفای نقش راهبردی خود در میان طرح های چین و روسیه در منطقه است.

یکی از آزمون های بزرگ تر برای هند چگونگی ادغام با سازمان همکاری شانگهای در آینده است. هند در مقابل طرح یک جاده یک کمربند چین یک سکوت راهبردی اختیار و با کریدور اقتصادی چین و پاکستان به دلیل عبور آن از منطقه مورد اختلاف کشمیر مخالفت کرده است.

نیاز گسترده هند به انرژی یکی از اصول مهم سیاست ارتباط با آسیای مرکزی این کشور است. برای بدست آوردن منابع انرژی، هند با یک رقیب سرسخت یعنی چین مواجه خواهد بود. کمربند اقتصادی جاده ابریشم چین در تعامل این کشور با آسیای مرکزی بسیار اهمیت دارد. از طریق این پروژه چین نه تنها به دنبال دست یابی به اقیانوس هند از طریق خشکی است بلکه قصد دارد کریدورهای اقتصادی مناطق مرکزی و جنوبی آسیا که در آن بنادر گواد و چابهار نقاط بسیار مهم و راهبردی محسوب می شوند را به یکدیگر متصل کند.

اما بزرگ ترین چالش هند کریدور اقتصادی چین و پاکستان است که بخش جدایی ناپذیر کمربند اقتصادی جاده ابریشم محسوب می شود. بودجه پیشنهادی اولیه برای این پروژه 46 میلیارد دلار بود اما اکنون چین آن را به 62 میلیارد دلار افزایش داده است. چین همچنین اعلام کرده است که تا 30 سال آینده کنترل پروژه آبی کاروت را در اختیار خواهد داشت.

دوم اینکه کریدور اقتصادی چین و پاکستان قرار است استان شین شیانگ چین را به بندر گواد متصل کند. حجم حمایت مالی چین برای بندر گواد بسیار بالاتر از تعهد مالی هند در بندر چابهار است.

به دلیل عبور این کریدور اقتصادی از منطقه مورد اختلاف کشمیر، هند همچنین اعلام کرده است که این طرح حاکمیت ارضی هند را نقض می کند. اگر چه چین تاکنون در خصوص مساله کشمیر موضع بی طرفانه اتخاذ کرده است اما ممکن است در آینده به دلیل منافع خود در کریدور اقتصادی پاکستان، موضع خود را تغییر داده و به یک بازیگر سوم در کشمیر تبدیل شود که طبیعتاً هند به شدت با این امر مخالف است.

چین در زمینه پروژه های مرتبط با انرژی توانسته است از هند در منطقه پیشی بگیرد. اهداف اصلی هند در منطقه تحقق 'تاپی' و خط لوله گاز ایران، پاکستان و هند اعلام شده است. اخیراً چین در خصوص خط لوله گاز ایران، پاکستان و هند ابراز علاقه مندی کرده اما در خصوص تاپی واکنشی نشان نداده است.

به طور خلاصه بندر گواد بخش مهمی در کریدور اقتصادی چین و پاکستان و همچنین کریدور اقتصادی جاده ابریشم چین است. بدست آوردن کنترل گواد توسط چین به معنی به چالش کشیده شدن منافع امنیتی و انرژی هند در اقیانوس هند است.

با توجه به فاصله جغرافیایی دورهند از منطقه آسیای مرکزی، ارتباط یک مساله مهم میان هند و منطقه است. ارتباط خشکی از طریق جاده لداخ به شین شیانگ چین در شمال این کشور یک گزینه برای دهلی نو است اما با توجه به نگرانی های هند در خصوص کمربند اقتصادی جاده ابریشم چین این گزینه ممکن است قابل اجرا نباشد.

هند به طور سنتی از طریق مسیرهای تجاری ابریشم و ادویه جات روابطی نزدیک تر با آسیای مرکزی داشته است. اکنون زمان آن رسیده

است که هند برای احیای این روابط اقدام کند. این امر می تواند از طریق رسیدن به یک درک گسترده تر با چین با توجه به توسعه بندر چابهار هم در داخل و هم در خارج شورای همکاری شانگهای میسر شود. در شرایط منطقه ای که همکاری با رقابت همراه می شود، دهلی نو باید یک رویکرد بازتر و متنوع تر در قبال بندر چابهار به کار گیرد. این امر سبب ایجاد فرصت های راهبردی بیشتر می شود و به پیشرفت هند کمک کرده و یک مسیر خشکی جدید به آسیای مرکزی را شکل می دهد.

